

حقیقت -

اولین قربانی جنگ برادر کشی در یوگسلاوی

ادامه جنگ برادر کشی و ویرانی گسترش یابنده در یوگسلاوی و خطر مداخله نظامی نیروهای پیمان تجاوزگر ناتو در منطقه بالکان نگرانی جدی طرفداران صلح و ترقیخواهان جهان را برانگیخته است. مداخلات آشکار قدرت های سلطه گر منطقه در امور داخلی یوگسلاوی و تجزیه این کشور که از پایه های اصلی جنبش کشورهای غیر متعهد و از حامیان صلح جهانی بوده است، پس از نمونه تراژیک عراق شاهدهی دیگر بر ماهیت واقعی "نظم نوین جهانی" مطروحه از طرف آقای بوش و عواقب فروپاشی کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی می باشد.

اظهارات ماجراجویانه و خطرناک برخی کشورهای قدرتمند اروپا و آمریکا در کنار موضع گیری های تشنج آفرین مقامات جمهوری اسلامی ایران امکان مداخله نظامی در بوسنی هرزگوین، یکی از جمهوریهای پنج گانه فدراسیون یوگسلاوی را بیش از پیش کرده است. رهبران مسلمان بوسنی با بهره گیری از حمایت کشورهای سرمایه داری و

ادامه در ص ۸

کارنامه اقتصادی - اجتماعی دولت رفسنجانی

عملکرد دولت رفسنجانی در طی سال های گذشته نه تنها بهبودی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور بوجود نیاورده است، بلکه به زبان آمار و ارقام، بر بحران ساختاری اقتصاد کشور افزوده است. برای نمونه چند نمودار مهم اقتصادی و روند تغییر آنها در کشور را بررسی می کنیم.

ادامه در ص ۲

حقوق خلق ها در ایران

و

عقب نشیینی های مصلحتی رژیم

مدیر کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی اعلام کرد: "هفته ای دو ساعت آموزش زبان ترکی آذری در مدارس ابتدایی استانیهای آذری زبان تدریس می شود".

البته با توجه به سابقه رژیم جمهوری اسلامی در ستیز با خلق های میهنمان، ترفند اخیر نه از با فرهنگ شدن سران رژیم، بلکه از عقب نشینی ها و رفرم های به ظاهر عوامفریبانه ای که بر گرداندگان تحمیل گردیده است، حکایت دارد.

ادامه در ۳

عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی، سرکوب و استبداد

کارنامه دولت هاشمی رفسنجانی

داخلی و کم بودن امکانات و فرسوده بودن کارخانجات و نبودن کارهای مهم زیر بنایی و عقب ماندگی در استفاده از آب و برق و کشاورزی و گاز و راه و حمل و نقل و ضعف دانشگاه ها... من عرض می کنم بحمداله با حمایت شما مردم این مرحله خطرناک را بخوبی پشت سر گذاشتیم..."

(روزنامه سلام ۷ شهریور ۷۱)

و اما واقعیت جامعه و اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور کدام است. آقای رفسنجانی تلویحا و با نیرنگی خاصی مدعی است که دولت در سه سال گذشته تمامی این مشکلات را پشت سر گذاشته است، ولی آمار موجود و منتشر شده از جانب خود جمهوری اسلامی تصویر دیگری را از اوضاع کشور منعکس می کنند.

هر سال از یکم تا هفتم شهریور ماه، رژیم جمهوری اسلامی، هفته دولت را برگزار می کند. امسال نیز بدین مناسبت گروهی از وزرای کابینه رفسنجانی و خود او در سخنرانی ها و مصاحبه های رادیو تلویزیونی به بررسی و تشریح کارنامه دولت در طی سال گذشته پرداختند.

هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه ۶ شهریور، کارنامه دولت در سه سال گذشته را چنین تشریح کرد:

"ما به مناسبت هفته دولت کار سه سال دولت و برنامه را جمع بندی کردیم. با همه وجود من و دوستان احساس رضایت می کنیم و با اطمینان به شما عرض می کنیم که خطری که دشمنان ما فکر می کردند بعد از جنگ، به خاطر مشکلات اقتصادی و خالی بودن خزانه و مقروض بودن دولت به بانکهای

در دیگر صفحات:

شروع فعالیت "حزب کمونیست اسلواکی" ۸ص

شعارهای ضدآمریکایی و واقعیت های اقتصادی ۴ص

کنفرانس "کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا" ۶ص

۱۳ سال پس از آغاز جنگ

۲۱ شهریور ماه امسال، سیزده سال از آغاز جنگ ایران و عراق می گذرد. در شهریور ۱۳۵۹، رژیم صدام حسین، در پی ماهها برخوردهای مرزی، به کشور ما حمله کرد و بدین ترتیب، یکی از مرگبارترین توطئه ها برای درهم کوبیدن جنبش انقلابی میهن ما به موقع اجرا گذاشته شد.

حزب ما به موقع خود پیرامون چنین خطری هشدار داد و نوشت: "عمال جنایتکار امپریالیسم و صهیونیسم قصد دارند این بار غرب و جنوب کشور را به اشغال در آورند و از آن پایگاه به انقلاب ایران هجوم بیاورند".

آغاز جنگ فضای سیاسی کشور را بکلی دگرگون کرد و زمینه را برای تصرف انحصاری قدرت توسط خمینی و طرفدارانش آماده کرد. با یورش نیروهای نظامی عراق و عدم آمادگی نیروهای ایران در همان

ادامه در ص ۴

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!



ططری منم؟!

جذابیت های پنهان پهلوانی

ذیلا بخشی از سخنان آقای اسماعیل ططری، نماینده محترم کرمانشاهان که در تاریخ ۷۱/۳/۱ در شهرستان پاوه به زبان کردی ایراد شده، آورده می شود:

"... ما رقتیم تهران، یکی از این خواهران نماینده که اسمش را نمی برم آمد جلو و بدون مقدمه و بدون سلام گفت: آقای ططری شما هستید؟!... بله من هستم! (گفت) شما هستید که زنجیر پاره می کنید و پهلوان هستید؟! (گفتم) بله خواهر من هستم که زنجیر اسارت و ظلم را می برم. که زنجیر سرت و دزدی را می برم! من هستم که زنجیر وطن فروشی و خیانت را می برم. من هستم که زنجیر حقه بازی را می برم. هر کدام از اینها دارید تا ببرم بسم اله... (صلوات و خنده حضار)"

یا اینکه می روند تبلیغات می کنند می گویند این نماینده است که شما دارید؟! گفتند که آسفالت خیابان ۲۲ بهمین را بر می دارم و در منطقه جعفر آباد کار می گذارم! یا اینکه آسفالت منطقه فردوسی را بر می دارم و در زور آباد کار می گذارم! (خنده حضار) آنها گفته اند خدایی، ما هم اینجور نماینده ای می خواهیم که آسفالت اینجا را بکند. و آنجا کار بگذارد! گفتم بله من نماینده کرمانشاهان هستم. گفتم به دینم (قسم) کرمانشاه بعد از ۱۲-۱۳ سال، نماینده خودش را پیدا کرد. این نماینده کرمانشاه است! (خنده حضار)"

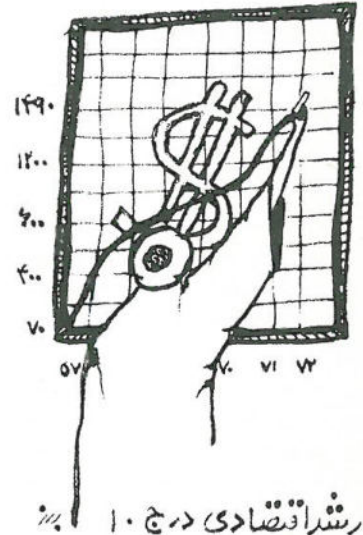
-اصلا باید امیدوار بود که در کرمانشاهان در آینده ای نزدیک چیزی به نام آسفالت وجود نخواهد داشت. و در پایان از آقای رئیس جمهوری می پرسید که با چنین "نمایندگانی" چگونه می توان از "رونق اقتصادی" و بازسازی صحبت به میان آورد؟

داد که برای رفسنجانی و شرکا، حتی مخالفان مذهبی و "یاران نزدیک امام" نیز غیر قابل تحمل اند. همه اهرم های دولتی و غیر دولتی، از شورای نگهبان گرفته تا رادیو تلویزیون برای حذف مخالفان بکار گرفته شد تا مجلس یکدست و آماده برای پیش بردن سیاست های جناح حاکم چنانچه مجلس سوم بشود.

عدم شرکت مردم در انتخابات و تعداد زیاد آرا باطله ریخته شده به صندوق های رای، نشان داد که مردم در مجموع به جمهوری اسلامی و جناح های درگیر آن کوچکترین اعتمادی ندارند. شکست منتضحانه انتخابات که حتی در روزنامه های مجاز کشور از جمله "کیهان"، منبکس گردید، تمامی ادعاهای رژیم پیرامون حمایت وسیع مردم از حاکمیت را نقش برآب کرد.

قیام های مردمی، پس از برگزاری انتخابات، در شهرهای مختلف کشور و یورش وحشیانه حکومت به مردم بی دفاع و موج نوین اعلام ها و دستگیری ها، میزان اعتقاد و پایبندی سران رژیم و در راس آنها هاشمی رفسنجانی به آزادی و عدالت را به روشنی به نمایش گذاشت.

عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی، سرکوب و ...



دولت جمهوری اسلامی در ۹ آذر ۱۳۶۸ مدعی گردید که در نخستین برنامه پنجساله، خواهد توانست نرخ تورم را از ۲۸/۵ درصد به ۸/۸ درصد برساند. آقای رفسنجانی در نماز جمعه اعتراف نمود: "ما در سال ۱۹ تا ۲۰ درصد تورم داریم... پیش از ۲۰ تا ۳۰ درصد حقوق ها را اضافه می کنیم که بتدریج این گرانی... وضمش درست شود."

هرکس با کمترین آشنایی از علم اقتصاد می داند، افزایش حقوقی که رفسنجانی مدعی آنست، خود عامل افزایش تورم است و نه وسیله ای برای مهار کردن آن. در مملکتی که نقدینگی بخش خصوصی براساس گزارش دکتر عادل در سال گذشته ۲۴٪ افزایش یافته است، به موجب آمارهای ارائه شده به مجلس شورای اسلامی تولید در سال های اول و دوم اجرای برنامه به ترتیب ۳/۶٪ و ۱۰/۵٪ درصد و در سال گذشته ۹٪ رشد داشته است. در یک ساختار نسبتاً سالم اقتصادی، میزان رشد نقدینگی، قاعدتاً می بایست در همین محدوده می بود. اما به موجب آمار رسمی در دو سال مورد نظر نقدینگی بیش از ۱۹٪ و ۲۲٪ افزایش را نشان می دهد. میزان نقدینگی از ابتدای انقلاب تاکنون دارای رشدی معادل ۷۵۲٪ بوده است در حالیکه تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت حدود نیم درصد افت داشته است. به این می گویند تورم افسار گسیخته که نتیجه چندین برابر شدن تقاضا برای کالا، و در عین حال ثابت ماندن و یا افت تولید کالا است. بنابراین با اضافه حقوق و شنبه بازی نمی توان تورم را از بین برد. یکانه راه، کنترل پول در گردش و افزایش سریع تولید است.

برای افزایش تولید در کشورهایی با ساختار عقب مانده و رشد ناهنجار سرمایه داری نیز به سرمایه گذاری و برنامه ریزی وسیع و کارایی دولتی نیاز است. صنایع تولیدی احتیاج به کمک و حمایت دولت برای ادامه حیات و افزایش تولید دارند. ولی سیاست های دولت رفسنجانی در طی سالهای گذشته نه تنها در این جهت نبوده، بلکه عملاً در جهت عکس آن عمل کرده است. براساس گزارش مهندس نیلی، دولت حتی قادر نگشته است به تمهیدات ارزی خود در صنایع داخلی عمل کند چه رسد به اینکه در

آنها سرمایه گذاری کرده و یا به آنها یاری رساند. ورود بی کنترل کالا، در حالیکه اقتصاد کشور براساس برابری ارزی ۱ به ۱۴۹ با دلار قرار دارد، بسیاری از اجناس تولید شده در داخل را غیر قابل فروش و صنایع تولیدی کشور را با بحران شدید روبرو کرده است. براساس آمار داده شده توسط دکتر عادل، "میزان ارزش واردات کشور در سال گذشته معادل ۲۸ میلیارد دلار" (روزنامه سلام ۳۱ مرداد ماه ۷۱) بوده است. این رقم نسبت به سال گذشته ۲۱٪ و در مقایسه با سال ۶۸ حدود ۹۴٪ افزایش را نشان می دهد. و این در حالی است که در آمد ارزی ایران در سال گذشته به زحمت به ۱۹ میلیارد دلار رسیده است.

کمیبود بودجه های ارزی و کسر بودجه سنگین دولت در هفته های اخیر حتی شایعه عدم توانایی دولت در پرداخت تعهدات بانکی را بشدت بر سرزبان ها انداخت. دکتر عادل ضمن رد خبر تاخیر در بازپرداخت بدهی های خارجی ایران از جمله اعتراف کرد:

"بدلیل افزایش سریع واردات کشور در سال گذشته با کسری باز پرداختهای خارجی مواجه شدیم که از طریق دارایی های ارزی آن را جبران می کنیم..."

سیاست مخرب اقتصادی جمهوری اسلامی اثرات فاجعه باری در جامعه ما پدید آورده است. در مذاکرات مجلس شورای اسلامی پیرامون اوضاع اقتصادی کشور صریحاً مطرح گردید که طی سال های ۵۷ تا ۶۹ قیمت کالاهای مصرفی به میزان ۶۲۷٪ افزایش یافته است و این در حالی است که افزایش حقوق ها در طی این سال ها تنها معادل ۱۴۲٪ بوده است. در چنین شرایطی است که زندگی روزمره برای میلیون ها ایرانی به کابوس هولناکی تبدیل می شود.

براساس تعریف رسمی دولت، خط فقر در جامعه ما معادل است با ۶۰۰ هزار ریال درآمد سرانه برای خانواده های شهری و ۴۸۰ هزار ریال درآمد سرانه برای خانواده های روستایی. حتی براین اساس ۲۳ میلیون نفر از جمعیت کشور دارای درآمدی کمتر از این مقدار بوده و زیر خط فقر زندگی می کنند. اگر به این آمار تعداد بیکاران کشور را که به حدود ۳ میلیون نفر تخمین زده می شوند، اضافه کنیم و در نظر داشته باشیم که سالانه تعدادی نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر بدون کوچکترین چشم انداز مثبتی به بازار کار و در واقع به بیکاران کشور اضافه می شوند، سیمای نسبتاً دقیقی از سیاست های فاجعه بار دولت رفسنجانی آشکار می شود.

اقتصاد جمهوری اسلامی برپایه فروش نفت، نابود کردن این درآمد و استقراض خارجی برای ورود کالا به کشور استوار است.

کارنامه سیاسی دولت رفسنجانی

سال گذشته، سالی بود که چهره سیاسی دولت و عملکرد آن در این عرصه بیش از پیش مشخص گردید. رفسنجانی پس از آنکه به ریاست دولت رسید، در سخنرانی های متعدد، مدعی شد که جمهوری اسلامی می بایست "از تندروی های گذشته" دوری جست و "فضای بازی" را در کشور ایجاد کند. پس از گذشت بیش از سه سال بالاخره معنای این سیاست در عملکرد دولت در عرصه های مختلف روشن گردید.

برگزاری چهارمین "انتخابات" مجلس شورای اسلامی، که از هر تقلب ترین و مفتضح ترین انتخابات برگزار شده در حیات جمهوری اسلامی بود، نشان

حقوق خلقها در ایران

و

عقب نشیینی های مصلحتی رژیم

بینند و در این رویکردانی رهایی میهن از حکومت قرون وسطایی را در رهایی خود از این قید اعمال نمایند. زمانیکه زمینه های عینی این تصور وجود دارد چرا می بایست به موعظه پرداخت؟ بلوغ ها در شرق، ترکمن ها در شمال، آذربایجانها در شمال و شمالغربی و کردها در غرب امروزه حامیان مستقلی در آن سوی مرزها پیدا کرده اند و همگی نیز از يك شیوه حکومتی قرون وسطایی ولایت قبیله در عذاب مشترک بسر می برند. تاریخ فراموش نخواهد کرد که خلقهای آذربایجان و کردستان زمانی به مقابله با حکومت مرکزی پرداختند و حکومتهای ملی تاسیس کردند که رژیم دیکتاتور بر تمام ایران حکومت میرانده است. آنان به مقابله با حکومت مرکزی برخاستند و امروز نیز "ولایت قبیله" در این مرکزیت قرار گرفته است.

نادانی سران رژیم، امکانات پدید آمده در آن سوی مرزها و آتش ناسیونالیسم دامن زده شده چنین احتمالی را از هر روز دیگر ممکن تر ساخته است و سران جمهوری اسلامی هنوز از حوادث قرون گذشته سخن می رانند و به داستان سرایی می پردازند. ما معتقد به یکپارچگی و حاکمیت ملی در

میهن هستیم و در این راه مبارزه می کنیم اما معتقد نیستیم که رفع ستم ملی و برقراری عدالت اجتماعی و مشارکت خلقها در سرنوشت خود با موعظه گریهای مذهبی ممکن می باشد. در ادامه حکومت "ولایت قبیله" ما از مبارزه تمام خلقهای میهنمان برای رهایی خود از این قید و بند های قرون وسطایی پشتیبانی خواهیم نمود و از آن حمایت خواهیم کرد. اما اگر آتش چنین مبارزاتی یکپارچگی میهن را در معرض تهدید قرار دهد و کنترل خشم ها را غیر ممکن سازد سردمداران جمهوری اسلامی مسئولین بلاواسطه آن خواهند بود.

حقوق خلقهای ساکن در ایران چیزی نیست که با دو ساعت تدریس هفتگی و یا چند ساعت برنامه رادیویی و تلویزیونی بتوان بدان سرپوش نهاد. امروز اگر سران جمهوری اسلامی از مسائل پیش آمده در یوگسلاوی سابق، چکسلواکی سابق، شوروی سابق... و عراق و افغانستان بی خبرند و تصور می کنند که مشکل آنان فقط جنبه هایی از مذهب و تعصب را با خود دارد به سختی در اشتباهند و شاید در آینده بدین اشتباه خود بهای سنگینی بپردازند اما حق ندارند با اصرار در تصورات و اشتباهات خود میهن ما را به آینده تجزیه شده ای سوق بدهند. ادامه سیاستهای ارتجاعی و قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی و تلاش خلقهای ساکن میهنمان در رهایی خود از چنگال "ولایت قبیله" و زمینه های دگرگون شده در همسایگی، امروزه این خطر را محتمل تر از هر روز دیگری ساخته است و ققها هنوز کلیدهای بهشت را پیش فروش می کنند!

دگرگونیهای عظیمی که در مرزهای میهنمان و در بیخ گوش رژیم اتفاق افتاده است زنگ خطر را بصدا درآورده و سردمداران را وادار به دفاع نموده است. ناسیونالیسم کور تمام منطقه را در بر گرفته و به جنگ برادر کشی منجر گردیده است. شمال و شمالغرب میهن دستخوش دگرگونیهای مهمی شده است. شرق ترکیه بر سر مسئله کردها همچنان در نا آرامی بسر می برد. در شمالشرق عراق کردها می روند که به خودگردانی برسند. در شمال میهن، آذربایجان سابق شوروی که نیمی از تنه فرهنگی و سنتی آن در این سوی مرزها و در ایران قرار دارد به کشور مستقل تبدیل گردیده است و رئیس جمهور جدید آن از نقشه آذربایجان بزرگ سخن می راند. آذربایجانی که در کمربند امنیتی و همکاری اروپا قرار خواهد گرفت و به سوی جاذبه های فنی و صنعتی آن کشش پیدا خواهد کرد. ترکیه در تلاش است با استفاده از نزدیکی زبانی که با آذری ها دارد آنان را به خود نزدیکتر سازد و جمهوری اسلامی با ارسال کتابهای مذهبی و روضه خوان های ریز و درشت در صدد صدور انقلاب اسلامی خود می باشد.

آنچه که در این میان مانند آتش در زیر خاکستر قرار دارد ادامه ستم و شیوه های حکومتی قرون وسطایی توسط جمهوری اسلامی می باشد که مردم میهن ما را روز بروز از حکمرانان جمهوری اسلامی دور می سازد. تصور چنین امکانی دور از واقعیت نیست که گوشه ای از یکپارچگی میهنمان در رهاندن خود از یوغ حاکمیت جمهوری اسلامی به همزبانان خود در آن سوی مرزها روی گردانند زیرا خود را با آنان بسیار نزدیکتر از سران جمهوری اسلامی می

طرد خزنده "ولایت قبیله" در جمهوری اسلامی

عوامفریبانه سابق رژیم که در مورد نیروهای سیاسی دیگر بکار بست به آسانی میسر نخواهد بود زیرا نیروهایی یاد شده هم مسلمان هستند و هم در برخی موارد قبیله تر از ولی امری می باشند که هم اکنون حکومت می راند. آیت اله جوادی آملی که یکی از چهره های شناخته شده رژیم می باشد اخیرا در روزنامه رسالت در بحث پیرامون "امر به معروف و نهی از منکر" واضح تر از همه به آنچه که مورد نظر ماست و موجب نگرانی رهبر، پرداخته است. نامبرده می نویسد: "در حقیقت چیزی بنام ولایت قبیله نداریم، آنچه داریم ولایت ققه و عدالت است نه اینکه شخصی حکومت کند". فراموش نباید کرد که دو هفته قبل آذری قمی قبیله دیگر در خطبه های نماز جمعه خود برکناری ولی مسلمین توسط خبرگان را ممکن دانسته بود.

سیر حوادث و رویدادها می رود که طیف هواداران طرد حاکمیت ولایت قبیله را گسترده تر سازد و نیروهای بیشتری را بدان جذب نماید. تلاش مشترک نیروهای سیاسی اپوزیسیون می تواند بر گسترش این خواسته، اثرات نزدیکتری بگذارد و این بر عهد نیروهای مترقی اپوزیسیون است که در تدارک آن تلاش جدی تری را آغاز نمایند.

هم ریخت و رفسنجانی و دارو دسته اش را که ادعا داشتند، می روند تا شعور را جانشین شعار سازند به تبعیت از امر رهبر وادار نمود.

در جمهوری اسلامی ممکن است نشست و سالها حرف زد و برنامه چید و قانون تدوین کرد اما تاراج آنها به مدت زمانی بیشتر از يك چشم بر هم زدن رهبر نیاز ندارد. قدرت نمایی خامنه ای در هفته های اخیر یکبار دیگر می تواند درستی ارزیابی های ما را به اثبات رساند.

ما در گذشته نیز این نکته را خاطر نشان ساخته بودیم که نیروها و شخصیتهای فراوان سیاسی و مذهبی در درون رژیم نیز با ادامه مطلقه ولایت قبیله به مخالفت برخوانند خواست و شیوه های دیگر را جایگزین آن خواهند ساخت و به نیروهای تحول طلب گرایش پیدا خواهند نمود. نگرانی اخیر رهبر و هوادارانش نیز از این خطر ریشه می گیرد که فراگیری این خواسته در جامعه را بخوبی درک کرده اند. اما حذف نیروهای اخیر از صحنه سیاسی این بار با تهمت های

حزب توده ایران مدتهاست که "طرد ولایت قبیله" و جانشینی قانون بجای "ولی" را سرلوحه برنامه خود قرار داده و برای تحقق آن مبارزه می کند. ما خاطر نشان ساخته ایم که محور اصلی موجودیت رژیم به اصل ضد انسانی و ضد دمکراتیک "ولایت قبیله" می چرخد و این گردش می بایست از دور خارج شود تا مردم بتوانند در تصمیم گیری بر سرنوشت خود شرکت داشته باشند، انتخاب کنند، انتخاب شوند، حکومت قانون را جانشین حکومت فرد سازند و اصل مشارکت و تصمیم گیری جمعی را جایگزین حکومت فردی نمایند.

ما بدرستی خاطر نشان کرده ایم که با ادامه حکومت مطلقه ولایت قبیله از هیچ مانور و فرم و تحول سیاسی نمی توان سخن جدی بیان آورد و بدان اعتماد کرد. حوادث اخیر صحت دورنگری های حزب را تایید می کند. امیدهایی که حتی از سوی برخی از نیروهای سیاسی متوجه رفسنجانی گردیده بود با اشاره "ولی قبیله" بر

شعارهای ضد آمریکایی

و

واقعیت های اقتصادی

در جمهوری اسلامی روزی نمی گذرد که در آن حکومت یا رسانه های گروهی وابسته به رژیم، در مذمت غرب، حمله شدیدی به آمریکا، انگلیس و یا سایر کشورهای غربی نکنند. برای شتونده کم اطلاع، این توهم می تواند ایجاد شود، که جمهوری اسلامی، واقعا مشغول مبارزه جدی ضد امپریالیستی است. ولی همانطوریکه جریان "ایران گیت" نشان داد، این شعارهای تو خالی چیزی جز تلاش مزورانه برای فریب مردم نیست.

"فصلنامه تجارت ایران" (زمستان ۱۳۷۰) گزارش جالبی پیرامون آمار تجارت ایران با کشورهای بزرگ غربی منتشر کرده است که توجه خوانندگان را به آن جلب می کنیم: "شورای بازرگانی آمریکا در دوی اعلام کرد که در پی تصمیم تهران مبنی بر لغو محدودیت های واردات کالاهای آمریکایی، صادرات آمریکا به ایران در شش ماه اول سال ۱۹۹۱ به میزان ۷۰۰٪ افزایش یافته است."

براساس همین گزارش "صادرات آمریکا طی نیمه سال جاری به ۲۷۲ میلیون دلار رسید در حالی که طی مدت مشابه در سال ۱۹۹۰ بیش از ۳۷ میلیون دلار نبود..."

براساس گزارشات منتشره در همین نشریه صادرات انگلستان به ایران در سال گذشته ۳۹٪ افزایش یافته و از ۲۷۹ میلیون پوند به ۳۸۴ میلیون پوند افزایش یافته است. همچنین صادرات ایتالیا به ایران در شش ماه اول سال ۱۹۹۱ به میزان ۷۰٪ افزایش یافته و به رقم ۱ میلیارد و ۱۵۰ میلیون دلار رسیده است.

و بالاخره حجم صادرات آلمان فدرال به ایران در سال ۱۹۹۱، ۷۶٪ افزایش یافته و به رقم ۲ میلیارد و ۷۰ میلیون مارک در سال رسیده است.

چنین است روند اوج گیرنده وابستگی اقتصادی ایران به کشورهای غربی که در میان هیاهو و جار و جنجال تبلیغات "ضد امپریالیستی" جمهوری اسلامی به پیش می رود. تلاش های رژیم برای جلب سرمایه خارجی به کشور روی دیگر سکه برنامه وابسته نمودن اقتصاد کشور در شرایط کنونی است. مهندس خاموشی، رئیس اطاق بازرگانی در مصاحبه ای با روزنامه ها پیرامون سیاست های دولت در این زمینه اعلام کرد:

"سرمایه گذاری هایی که ۴۹٪ آن خارجی و ۵۱٪ ایرانی باشد در اداره سرمایه گذاری وزارت امور اقتصادی و دارایی ثبت می شود و تضمین دولتی دارد، اما بدون ثبت در آن اداره نیز می تواند سرمایه گذاری حتی تا ۱۰۰٪ خارجی صورت بگیرد... سرمایه گذاری در مناطق آزاد صنعتی مانند قشم، مشکلات موجود بر سر راه سرمایه گذاری های مشترک را ندارد..."

مشکلات موجودی که مهندس خاموشی به آن اشاره می کند همان اصل ۴۹ قانون اساسی است که در هفته های گذشته بدون سرو صدا با تصمیم شورای عالی اقتصاد لغو گردید و برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارجاع داده شد.

سیاست وابسته نمودن اقتصاد کشور به اجناس کشورهای غربی برای سالهای طولانی در دوران حکومت شاه تجربه شد. این سیاست چیزی جز تشدید اقتصاد مصرفی، تضعیف صنایع تولید داخلی و زمینه سازی برای وابستگی کامل سیاسی به این کشورها نتیجه دیگری نداشته و در آینده نیز نخواهد داشت.

۱۳ سال پس از ...

نخستین روزهای یورش بخش های نسبتا بزرگی از مناطق جنوب و غرب کشور به اشغال نیروهای متجاوز عراقی در آمد و اگر مقاومت دلیرانه مردم عادی، نیروهای انقلابی و ارتش نمی بود، پیش بینی اشغال کامل جنوب کشور توسط نیروهای عراقی غیر ممکن نبود.

اکنون دیگر روشن است یورش سازمان یافته عراق به ایران با نظر مستقیم آمریکا و همکاری برخی عناصر رژیم شاه، به منظور درهم شکستن ایران یکسال و نیم پس از پیروزی انقلاب و تقویت رژیم عراق به مثابه ژاندارم امپریالیسم در منطقه بود. همکاری وسیع نیروهای ارتجاعی منطقه با این نقشه جنایتکارانه و قبول پرداخت هزینه های تحصیل شده به عراق از جانب عربستان سعودی، کویت و... عمق توطئه علیه مردم کشور ما را نشان می دهد.

با آغاز یورش نظامی عراق، نیروهای میهن دوست و ملی کشور بدون ذره ای تامل به جبهه های جنگ شتافتند، مقاومت مردم و نیروهای مسلح در جبهه های جنوب و غرب مرحله نخست توطئه به منظور ایجاد يك "بخش بزرگ" آزاد شده که بتواند به مقر "دولت آزاد ایران" تبدیل شود را با شکست کامل روبرو کرد و بدین ترتیب مسیر جنگ تغییر کرده و با اهداف و برنامه های دیگری دنبال گردید. آغاز جنگ از سوی دیگر "نعمتی" بود برای خمینی و طرفدارانش، بدنبال شروع عملیات نظامی، کلیه دستاوردهای اقتصادی - اجتماعی ماههای نخست انقلاب، از جمله رفاه ارضی به تعطیل کشانده شد و نیروهای مذهبی توانستند با حذف سایر نیروها، قدرت سیاسی را بطور کامل به تصرف خود در آورند.

پس از گذشت زمان نسبتا کوتاهی با استفاده از پوشش جنگ، برخی آزادی های بدست آمده در سال نخست انقلاب، مورد یورش قرار گرفت و روند بازگشت انقلاب شروع شد. مبارزه برای بیرون راندن نیروهای متجاوز عراقی با جانفشانی و قهرمانی های مردم کشور سرانجام در تابستان ۶۱ به ثمر رسید و نیروهای عراقی در پی شکست سنگینی از بخش عمده ای از خاک کشور بیرون رانده شدند. حزب ما در این مرحله اعلام کرد، که هنگام پایان دادن به جنگ و نشستن پای میز مذاکره فرا رسیده است. ولی خمینی و سایر رهبران جمهوری اسلامی، با هدف "صدور انقلاب" و برنامه اشغال عراق، جنگ را به داخل خاک عراق کشانده، و بدین ترتیب مرحله نوبتی از

جنگ آغاز گردید. جنگ میهنی در دفاع از کشور، به جنگ ارتجاعی برای صدور "انقلاب اسلامی" و اشغال نظامی عراق بدل گردید. حزب ما در اطلاعیه ای که در ۱۲ تیر ماه ۱۳۶۱ منتشر کرد، هشدار داد:

"نقشه امپریالیسم این است که در صورت ورود ارتش ایران به خاک عراق، با دادن همه کمکها و امکانات به عراق... يك جنگ فرسایشی طولانی را به ما تحمیل نماید..."

سیر حوادث دقت و درستی این ارزیابی حزب ما از شرایط را به اثبات رساند. ادامه جنگ پس از آن به مدت ۶ سال کشتار و نابودی هزاران انسان بیگناه و تخریب بخش بزرگی از اقتصاد کشور، ثمره سیاست جنایتکارانه و اندیشه معیوب کسانی بود که می خواستند "امپراطوری اسلام" را در کنار سواحل دجله و فرات زنده کنند.

مخالفت آشکار حزب ما با این سیاست جنایتکارانه، زمینه برای یورش خونین رژیم به حزب توده ایران را مهیا نمود و بدین ترتیب توطئه امپریالیسم با موفقیت کامل به سرانجام خود رسید.

رژیم در بهمن ۶۱ به حزب توده ایران یورش برد و با این یورش گروهی از قهرمانان جنگ و فاتحین جبهه ها، چون سرهنگ کبیری، سرهنگ عطاریان، ناخدا افضلی و دهها تن دیگر از افسران توده ای را به جوخه های اعدام سپرد.

ادامه جنگ به مدت هشت سال، اثرات فاجعه باری برای ایران، عراق و مردم منطقه ببار آورد. صدها هزار جوان قربانی ماجراجویی سیاستمدارانی شدند، که با اهداف عظمت طلبانه، حاضر بودند به هر جنایتی دست بزنند.

شکست مفتضحانه سیاست "جنگ جنگ تا پیروزی" خمینی و یارانش در تابستان ۱۳۶۷ و نوشیدن "جام زهر صلح" توسط خمینی، پس از گذشت ۸ سال، با صدها هزار کشته، يك میلیون معلول و صدها میلیارد دلار خسارات جنگی این فاجعه خاتمه یافت ولی اثرات این فاجعه در میهن ما همچنان ادامه دارد. رژیم جمهوری اسلامی هراسناک از شکست در جبهه ها، هزاران زندانی بی دفاع را در زندانهای کشور قتل عام کرد تا چند صباحی بیش به حیات جنایتکارانه خود ادامه دهد.

آثار جنگ هنوز در سرتاسر کشور ما به وضوح دیده می شود. هزاران جوان بر صندلی های چرخدار، هزاران خانواده که عزیزان خود را از دست داده اند، شهرها و خانه هایی که تخریب شده در گوشه و کنار کشور یادآور این سالهای شوم و مرگبار است.

سیاست های اقتصادی رژیم علیه حاکمیت ملی است

سردمداران جمهوری اسلامی با اعمال سیاست های نابخردانه اقتصادی، سرزمینی بوسمت ایران را به حراج گذاشته اند و سهم آیندگان از ذخایر طبیعی را پیش فروش می کنند. کنار گذاشتن تئوری تخلیلی اقتصاد اسلامی که از همان اوان کم و کیف آن برای خود گویندگان نیز روشن نبوده است و اجرای مرحله دروازه های باز تجاری و اقتصاد آزاد برای جلب سرمایه گذارهای خارجی بصورت افسار گسیخته و بدون در نظر گرفتن حاکمیت و منافع ملی همچنان پیش برده می شود. سران رژیم که به چیزی جز دلارهای آمریکایی نمی اندیشند و به هر بهایی برای جذب آن حاضرند تا مرحله چوب زدن به منافع ملی نیز پیش روند. اشاره ای کوتاه به برخی از سیاست های اقتصادی رژیم می تواند دلیل محکمی برگرفته های ما باشد. نفت یکنانه ثروت امروزی مردم ما و آیندگان این سرزمین که با جنبش عظیم مردم در ۴۲ سال پیش ملی شد و انحصار آن از مرحله اکتشاف، تا پالایش و فروش بعهده دولت گذارده شد اکنون به بخش خصوصی واگذار می شود که گردانندگان آن از دزدان شناخته شده بیت المال در بنیاد باصطلاح مستضعفان می باشند. "بن اویل" بعنوان یک شرکت خصوصی که گویا در لندن به ثبت رسیده است حراج ثروت ملی ما را با توجه به منافع خصوصی خود، نه منافع ملی عهده دار خواهد بود. مراحل دیگر کشف و پالایش نیز برای واگذاری مطلق به بخش خصوصی همین روند را طی می کند. صنایع عظیم پتروشیمی بعنوان یکی از صنایع بزرگ مادر می رود بهمین سرنوشت دچار گردد. اجرای پروژه بزرگترین کارخانه آلومینیوم سازی در جنوب بطور صد در صد به یک امیر نشین خلیج فارس واگذار می شود که بقتیده برخی از متخصصین حتی در مرحله بهره برداری نیز به علت گران تمام شدن محصول آن، امکان رقابت با صنعت مشابه در منطقه را نیز نخواهد داشت. سهام شرکت های خارجی در سرمایه گزاری نامحدود می شود و شراکت قانونی آنان با طرف ایرانی از بین می رود و وزیر صنایع رژیم برای اطمینان دادن به سرمایه گذاران خارجی اعلام می نماید که در صورت بروز هرگونه حادثه سیاسی بازگشت اصل و بهره سرمایه با احتساب ۱۴۱۰ ریال برای هر دلار ضمانت خواهد شد. ارزش پول رسمی کشور واحد یک ورق کاغذ واسطه ای برای خرید و فروش داخلی پایین آمده و دلار آمریکا جای واقعی پول ملی را گرفته است. رئیس بانک مرکزی از سلطه دلاری که ارزش برابری آن از عدد دو رقم به چهار رقم رسیده است صحبت می کند و اعتراف می کند با ادامه چنین وضعی در آینده مقامات خارجی درباره حجم پول و نحوه انتشار آن تصمیم گیری خواهند نمود. معاملات بین سازمانهای دولتی در جمهوری اسلامی بنا به اعتراف همین سخنگو با دلار انجام می گیرد. بدهی خارجی رژیم از بیست میلیارد دلار می گذرد و دولت رفسنجانی امیدوار است این رقم را به ۴۰ میلیارد دلار برساند که نسل آینده پرداخت بهره آن را بر دوش خواهد کشید. تلاش نزدیک به ۲۰٪ از نیروی کار (بجز زنان) برای یافتن کار بی نتیجه است و اکثر کارخانه هایی که هنوز امکان تولید برای آنان موجود می باشد بنا به اعتراف

مستولین رژیم فقط باندازه ۳۰٪ ظرفیت خود کار می کنند و مدیریت نالایق، ماشین آلات فرسوده و از رده خارج شده امکان بهره برداری متناسب با ظرفیت کارخانه ها را ممکن نمی سازد.

در مقابل اینهمه خیانت های آشکار و ضد میهنی رژیم تلاش خود را در سازماندهی کنفرانس ها و کنگره ها و موعظه های بی سرانجام خلاصه نموده است و با ادامه وعده های تهی، ارقام درشت و ناصحیحی را بخورد مردم می دهد.

تمام این سیاستگزاری های ضد ملی بدست کسانی اجرا می شود که نه دانشی از علم اقتصاد دارند و نه فنی از سیاست های جهانی را آموخته اند. نمایندگانی در مجلس برای این سیاست های ضد ملی رای می دهند که نه ارتباطی با مردم دارند و نه شناختی از مقوله نامه های تجاری و سیاسی بین المللی، رهبرانی این طرح ها را از رای می دهند که کوچکترین الفتی با آنچه بنام میهن پرستی نامیده می شود ندارند و جهان وطنی آنان در شرع و ققه اسلامی خلاصه گردیده است و کوچکترین ارتباطی با جهان معاصر ندارد.

برای اینهمه نادانی و خیانت های شرعی رهبران رژیم، کشورهای پیشرفته صنعتی در غرب اروپا و آمریکا به شادی می پردازند و بهای این بدست می ها را ملت ستمدیده ما می پردازد.

سردمداران رژیم که عدم لیاقت و شایستگی خود را در اداره صنایع ملی شده نشان داده اند اکنون در بازگرداندن آن به بخش خصوصی شیوه های درست آن را که هرگز نیاموخته بودند بدور انداخته اند. سپردن صنایع عظیم کلیدی که ثروت ملی تمام مردم است به بخش خصوصی و دادن اختیارات صد درصد آن به بیگانگان، لگد مال ساختن خشن حاکمیت ملی و سپردن سیاست های اقتصادی و سیاسی مردم بدست تنی چند از کلان سرمایه داران داخلی و خارجی است که یگانه انگیزه آنان چپاول و غارت و سود بیشتر است. تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذارهای زیر بنایی و دادن امنیت به سرمایه و سود آنان با حراج منافع ملی متفاوت است و نمی توان و نباید این دورا با هم مخلوط کرد. رژیم جمهوری اسلامی با مفشوش ساختن این مرزها نه سرمایه های خصوصی داخلی و خارجی را می تواند جذب نماید و نه حاکمیت ملی مردم را بر منافع خود حفظ نماید.

سرمایه گذارهای خارجی با نظارت مستقیم دولت و شراکت بخش خصوصی و صاحبان صنایع ملی با سرمایه گذاران خارجی و انحصار دولت در مالکیت منابع و ثروت های مادر و صنایع عظیم کلیدی مانند صنایع نفت، پتروشیمی، ذوب آهن و... و سپردن اجزای رقابتی این بخش از صنایع به بخش خصوصی می تواند یکی از اصول درست واگذاری صنایع به بخش خصوصی و جذب سرمایه های خارجی باشد. مرحله دوم این روند، ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی و قانونی است که با تامین دموکراسی سیاسی و اجتماعی و آزادیهای فردی و خصوصی امکان پذیر می باشد که رژیم جمهوری اسلامی از این دو فاصله دوری دارد.

آنچه که برای پایان دادن به ادامه این

ادامه در ص ۷

پای

درد دل

سردم

در صف گوشت:

ساعت نیمه شب است، خیابان کبریت سازی، تعداد جمعیت توی صف، باور نکردنی است. اولی فرد بازنشسته ژاندارمری، دومی کارمند بازرخرد شده، سومی نقاش، چهارمی کارگر دخانیات، پنجمی معلم، ششمی کارمند وزارت راه...

به یکی نزدیک می شوم، شخص میانسال است:

"عمو ساعت چند اومدید؟"

"ساعت هشت شب"

"کارمندید؟"

"بله"

"چند تا بچه دارید؟"

"۴ تا"

"چه لزومی داشت از ساعت ۸ شب بیایید"

"آی بابا شما هم که از مرحله پرتید؟ مثل اینکه نفست از جای گرم بلند می شه خوب مرد حسابی اگر نیام اینجا از کجا بیاروم گوشت کیلویی خدا تومن تهیه کنم؟ آخه مگر فکر می کنی مقدر حقوق می گیرم..."

دو تا پیرمرد کنار هم نشستند. از یکی می پرسم "عمو چند وقته اینجا ایستادی؟" "۷ ساعته" چرا اومدی از من ناراحت می شه، بابا دست از سرمون بردار، اینکه سوال نداره... پدرم در اومده صبح تا شب جون می کتم، شبم توی صف می گذره" به سراغ خانمی می روم، "خانم ببخشید از ساعت چند اینجا ایستادید..." از ۱۰ شب... "با این وضع و روزگار چاره ای نیست اگر همین دو کیلو گوشت کوپنی نباشه که دیکه رنگ گوشتو فراموش می کنم چه برسه به خودش..."

"چند تا بچه دارید...؟"

"چهارتا"

به سراغ دیگری می روم کارمند مطبوعات است. با عصبانیت می گوید:

"آقایون به مرگ گرفتند تا مردم به تب راضی بشوند... کار را به جایی رساندند که گوشت یخی ۲۵ تومان را مردم ۲۵۰ تومان بخرند و تازه سر و دست هم بشکنند."

*

در شهرهای کردنشین همه اجناس از گوشت تا سایر مواد غذایی نایاب شده است. در سقز مرغ کیلویی ۲۱۰ تومان گوجه ۳۰ تومان و تخم مرغ ۱۱۰ تومان است. علت کمبود ناگهانی صدور مواد غذایی به عراق است...

*

چند شب پیش در میدان گرگان (شهید نامجو) عده ای جوان ۱۶-۱۵ بسیجی جلوی مردم را می گرفتند و بازجویی می کردند... جلوی من و همسرم را گرفتند و سوال کردند آیا ایشان خائنان است؟ در هر حال حدود یکساعت ما را نگه داشتند تا بالاخره با وساطت حاجی آقایان رهبران کردند...

گفترانس

"کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا"

حقوق بشر، دمکراسی و حقوق سندیکایی سخن گفتند. آقای تونی لئون که در دفاع از اصلاحیه کارکنان بخش سینما... فعالیت می کرد سخنران اصلی در مسئله لزوم اصلاح قطعنامه بود. نماینده کمیته دفاع اظهار داشت: "هدف اصلی ما از این اصلاحیه مطمئن شدن از آن است که کنگره ضمن طرح مسئله تضعیقات نسبت به حقوق بشر وسیع ترین همبستگی را خطاب به مردم ایران اظهار نماید. او متذکر شد که این مسئله با توجه به بغرنجی فراوان مبارزه در ایران اهمیت زیاد دارد. او با اشاره به اینکه هدف اصلاحیه تقویت موضع مخالفت با رژیم تئوکراتیک در ایران می باشد، اظهار داشت ما معتقدیم ضعف بزرگی برای کنگره خواهد بود که این فرصت تاریخی بحث در مورد مسئله ایران در جهت مطرح شدن تضییقات سخت علیه زنان ایران استفاده نکردد. آقای لئون بدقت ابعاد برخورد بربر منشاء حاکمیت رژیم اسلامی با زنان را ترسیم نمود.

در گفتگوی نماینده کمیته دفاع با آقای مایکل والش، منشی دایره بین المللی اتحادیه های کارگری انگلیس، ایشان مطرح نمودند که موضع رهبری کنگره حمایت از همه نیروهای ترقیخواه در مبارزه برای تامین حقوق بشر، دمکراسی و حقوق سندیکایی در ایران می باشد.

اصلاحیه اتحادیه کارگران بخش سینما... ضمن قبول اهمیت اعلامیه، حمایت از همه نیروهای سیاسی اپوزیسیون را اعلام کرد با ارجاع قطعنامه به شورای عمومی از رهبران جنبش کارگری بریتانیا خواستار گردید که در جهت عملی نمودن مفاد اصلی قطعنامه و اصلاحیه - یعنی افشا جنایات رژیم - حمایت از همه نیروهای سیاسی ترقیخواه و نیز پشتیبانی فعال از اکسیون های همبستگی با مردم ایران عمل نمایند.

گردید. این اصلاحیه بموازات اظهار نگرانی از مسئله ادامه سانسور و سرکوب کارکنان و دست اندرکاران مطبوعات غیر دولتی در ماههای اخیر و نیز تبعیضات شدید در مورد شرکت زنان در حیات اجتماعی کشور، با اشاره به ضعف اصلی قطعنامه اتحادیه کارگران نانوائیها... "در مطرح کردن شورای ملی مقاومت بعنوان نماینده اعتراضات مردم ایران". خواستار حمایت از مبارزه همه افراد و سازمانهای سیاسی مترقی علیه جمهوری اسلامی گردید. این اصلاحیه شورای عمومی را فراخواند که بطور فعال و عملی از همه اکسیونهای اعتراضی و همبستگی با مردم و کارگران ایران حمایت نماید.

فعلان ایرانی و انگلیسی کمیته دفاع از حقوق مردم ایران که در کنفرانس حضور داشتند ضمن پخش نشریات افشاگرانه در مورد سیاستهای رژیم و نیز در ملاقات با هیئت های نمایندگی اتحادیه های کارگری اهمیت و لزوم حمایت از همه نیروهای ترقیخواه مخالف رژیم را متذکر می شدند. از نتایج این فعالیت ها می توان به موضع گیری فعال و یاری دهنده رهبران اتحادیه های کارکنان بخش صنعت، علوم و مالی، اتحادیه آتش نشانان، اتحادیه استادان دانشگاه، اتحادیه کارکنان فروشگاهها اشاره نمود.

در اطلاعیه مطبوعاتی که از سوی کمیته دفاع از حقوق مردم ایران در رابطه با قطعنامه در مورد حقوق بشر در ایران صادر شد، گوشه هایی از نکات اصلی مذاکرات نمایندگان کعبته دفاع و نیز اتحادیه های کارگری گزارش شده است. آقای ری پندل بری که در دفاع از قطعنامه اتحادیه کارگران نانوائیها و صنف مواد غذایی سخن گفت و نیز آقای جو مارینو دبیر کل این اتحادیه در ملاقاتهای خود با نماینده کمیته دفاع - ضمن قبول لزوم تصحیح قطعنامه - از اعتقاد خود به لزوم حمایت از همه نیروهای ترقیخواه در مبارزه برای

کنفرانس سالانه "کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا" در روزهای ۱۵ تا ۲۰ شهریور ماه سال جاری در شهر ساحلی بلاک پول برگزار گردید. این کنگره که بدنبال شکست غیر منتظره حزب کارگر در انتخابات پارلمانی ماه فروردین انگلستان صورت می گرفت، به لحاظ اهمیت و جنجالی بودن موضوعات مطرحه در دستور کار آن، در کانون توجه افکار عمومی و محافل کارگری انگلیس و اروپا قرار داشت. شعار کنفرانس "عمل در جهت ایجاد کار برای همه" مخصوصا در دوره ای که بحران کم سابقه اقتصادی در کشورهای سرمایه داری منجر به ورشکستگی بسیاری از کارخانجات و موسسات و بیکاری صدها هزار کارگر شده است، حاکی از عزم جنبش کارگری در مبارزه برای تامین اساسی ترین حق شهروندان، یعنی حق کار می باشد. در کنار موضوعات با اهمیت اقتصادی، کنفرانس تصمیمات پر دامنه ای را در مورد رفرم ساختاری "کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا"، که از بزرگترین مراکز کارگری جهان و از نظر بر برگیری تمامی اتحادیه های کارگری انگلیس، در اروپا منحصر بفرد می باشد، اتخاذ نمود.

مسئله نقض حقوق بشر در ایران و لزوم همبستگی بین المللی با قربانیان سرکوب و شکنجه در ایران در دستور کار چهارمین روز کنفرانس قرار داشت. در قطعنامه ای از طرف اتحادیه کارگران نانوائیها و صنف مواد غذایی، ضمن اظهار نگرانی در مورد اعدام های وسیع در حکومت جمهوری اسلامی مشکلات روز افزون اقتصادی، جلوگیری از فعالیت اتحادیه های کارگری، سرکوب اعتصابات کارگری و تظاهرات اعتراضی مردم در ماههای اخیر، سیاست غیر انسانی و ضد کارگری رژیم را محکوم نموده و از سوی شورای عمومی خواستار طرح مسئله کارگران ایران در سازمان بین المللی کار و نیز مرکز بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد شدند. قطعنامه از کنگره خواستار ادامه کوشش برای فرستادن يك هیئت تحقیقات به ایران گردید.

در ارتباط با این قطعنامه، اصلاحیه همه جانبه ای از سوی کارگران بخش سینما، سرگرمیها و پخش (صدا و سیما) به کنگره ارایه

عقب ماندگی اقتصادی -

اجتماعی، سرکوب و ...

برگزاری دادگاههای فرمایشی، بدون حضور وکیل مدافع و حتی بر خلاف قوانین کشور، صدور احکام ظالمانه اعدام و زندان های طولانی برای کسانی که تنها جرمشان اعتراض به جمهوری اسلامی بوده است، اوج قساوت سیستم قضایی رژیم را بار دیگر برای جهانیان به نمایش گذاشت. براساس گزارشات سازمانهای مدافع حقوق بشر، تعداد اعدام های انجام شده در سال گذشته در ایران بیش از آفریقای جنوبی بوده است و جمهوری اسلامی از این نظر در جهان پیشتاز بوده است.

اوضاع آنقدر وخیم است که دکتر خاکی در متن استغفاي خود از دولت می نویسد: "متأسفانه در

های ماجراجویانه رژیم در لبنان، در مسئله فلسطین و اخیرا در مسئله بوسنی، همچنان به سیاق گذشته ادامه می یابد. در حالیکه رژیم روزانه بارها به آمریکا و سایر کشورهای غربی حمله می کند، روابط اقتصادی و سیاسی دولت با این کشورها دایما افزایش می یابد.

ما به اختصار تلاش کردیم تا مشخصه های عمده کارنامه دولت هاشمی رفسنجانی را در اینجا ارزیابی کنیم. آنچه می توان گفت آنست که دولت هاشمی رفسنجانی در عرصه های مختلف اقتصادی و اجتماعی، ارمغانی جز فقر، بدبختی، ناامنی، بی قانونی و عقب ماندگی اجتماعی ببار نیاورده است.

کارنامه دولت رفسنجانی را می توان در کلمات زیر خلاصه کرد: عقب ماندگی شدید اقتصادی - اجتماعی و سرکوب و استبداد. چنین است ارزیابی حقیقی و واقع گرایانه از عملکرد دولت در سه سال گذشته.

صحنه امور فرهنگی چندی است به شیوه دیگری عمل شده است یعنی چه بسا با شکسته شدن همه مرزهای قانونی، شرعی، اخلاقی و عرفی... و هر وسیله ای برای رسیدن به اهداف خاصی مباح شمرده شده است... (روزنامه سلام ۲۷/۴/۷۱).

در همین زمینه لازم است اشاره کنیم که سیاست ترور و اختناق و سرکوب نیروهای مخالف نه تنها در درون کشور، بلکه در خارج از کشور نیز دنبال شده است. توطئه قتل عده ای از چهره های سرشناس اپوزیسیون در طی این سال ها همگام با سیاست ترور و اختناق در درون کشور به مرحله اجرا گذاشته شده است.

در عرصه سیاست خارجی

دولت جمهوری اسلامی همچنان به سیاست های دخالت جویانه و مخرب خود در عرصه سیاست خارجی در سال های اخیر ادامه داده است. سیاست

حقیقت -

اولین قربانی جنگ برادر ...

مخاطره انداخته است. جمهوری اسلامی ایران حتی تهدید کرده است در صورتیکه "یوگسلاوی ریاست جلسه افتتاحیه را داشته باشد، اجلاس را ترک خواهد کرد".

در قبال تحولات تراژیک یوگسلاوی، موضع نیروهای ترقیخواه و طرفدار صلح و عدالت چه باید باشد؟ آیا می باید و می توان به کاروان جنگ صلیبی بر علیه "صربها" که به سردمداری آمریکا و متحدانش براه افتاده پیوست و عملاً شریک کارزار تقسیم یوگسلاوی و تغییر مرزهای اروپا گردید؟ مطمئناً مطالعه بیفرسازانه تحولات و مواضع طرفین درگیری می تواند در تعیین سیاست نیروهای ترقیخواه کمک کند.

از موضع گیری ها و اظهارات رسمی مقامات آمریکا و نیز جامعه کشورهای بازار مشترک اروپا چنین به نظر می رسد که "صربستان" و "صربها" مقصودند. گزارش های منتشره در رسانه های گروهی کشورهای اروپایی به دلیل یکسویه بودن خود کمکی به درک این حقیقت که در تراژدی یوگسلاوی "تمامی تقصیرها بدوش یکطرف و تمامی مظلومیت در طرف دیگر" نمی باشد، نکرده اند. البته این بدان معنا نیست که در "برخوردهای اخیر" صربها بی تقصیرند. نمادهای شوینیسیم صربی بدرستی از سوی نیروهای ترقیخواه محکوم گردیده است.

تصاویر زندگی رقت بار و غیر انسانی کمپ های زندانیان جنگ در بوسنی مطمئناً اثر ویژه ای در شتاب بخشیدن به خواست مداخله نظامی خارجی داشته است. در حالیکه بخشی از این عکس العمل به دلیل دیدن انسان ها در پشت سیم های خاردار است، بخش بزرگتر آن مدیون یک تهاجم تمرکز یافته رسانه های خبری است که درصددند جهانیان را قانع کنند که صربستان مقصر منحصر بفرد است. هر ادعایی مبنی بر اعمال غیر انسانی صربها علیه کرواتها و مسلمانان بوسنی بدون هیچ گونه سوال و تعمق پذیرفته می شود، در حالیکه مدعیات طرفداران صربها از پیش رد می شوند و اشاره ای هم به این حقیقت نمی کنند که هم صربها و هم کرواتها بخشهایی از قلمرو بوسنی را تحت کنترل گرفته اند و این نیز به دنبال توافق رهبران این دو ملت در گردهمایی برگزار شده سال جاری بوده است.

در حالیکه محکومیت بین المللی منحصر بر روی اقدامات صربها متمرکز شده است، بر عملکرد کرواتها که بطور پیکیری مشغول تعیین دلبخواه مرزهای داخلی فدراسیون یوگسلاوی می باشد، عملاً چشم پوشی شده است.

صربها اقلیت های عمده ای را هم در بوسنی و هم در کرواسی تشکیل می دهند و لذا نگرانیهای بجایی در مورد موقعیت شان در این مناطق و نیز روابط آینده شان با صربهای مناطق فدراسیون ویران شده یوگسلاوی می باشد. نمی توان به خاطر نداشتن که کمتر از پنجاه سال

پیش دهها هزار صرب توسط کرواتها که با فاشیستهای هیتلری همکاری می کردند، کشتار شده اند.

در مطالعه عوامل موثر در بحران کنونی، نقل قولی از کتاب بروس لاک هارت چاپ سال ۱۹۳۸ بنام "تفنگ با کره" که سفرنامه او به یوگسلاوی و اروپای شرقی است، می تواند یاری دهنده باشد؛ "وضعیت کنونی اروپا باید کرواتها را بخود بیاورد که هر دو طرف باید روحیه سازش و مصالحه نشان بدهند زیرا اگر چه بریتانیا خواستار یک یوگسلاوی قدرتمند و مرفه می باشد، کشورهای دیگری وجود دارند که خواسته های دیگری دارند." "نه کرواتها و نه صربها نباید فراموش کنند که همسایگان یوگسلاوی منافع ویژه ای در طولانی کردن مشاجرات و تمک پاشیدن بر زخم ها تا آنجا که ممکن هست، دارند".

در جستجوی یک راه حل پایدار برای برخوردهای فعلی، نمی توان از نظر دور داشت به دلایل تاریخی که قدمت صدها ساله دارد شبه جزیره بالکان به مناطقی تقسیم شده است که اهالی آنها یکپارچه به این و یا آن ملیت تعلق ندارند. صربها، کرواتها و اهالی بوسنی برای قرنها در کنار هم زندگی کرده اند و آنگاه که برهم تاخته اند فقط به دلیل مداخله و تحریک برون مرزی بوده است. استقرار یک جمهوری اسلامی در منطقه ای که مسلمانان اکثریت جمعیت آن نیستند و صربها بیش از یک سوم ساکنان آن را تشکیل می دهند، نمی تواند در راستای حل همیشگی مشکلات بین قومی باشد. نگاهی به لیست برخوردهای خونین دو ساله اخیر

چکسلاواکی: اتحاد ...

اصلاً تأثیری نداشته باشد). موضوع برسر دیدگاههای متفاوت از رفوم اقتصادی است. رهبران "جنبش برای اسلاواکی دمکراتیک" در حالیکه با اساس رفوم موافق هستند در شکل پیاده کردن آن با پراگ اختلاف نظر دارند. رفوم آنگونه که در چک اجرا می شود به نظر رهبران براتیسلاوا در اسلاواکی قابل اجرا نیست و باید پاره ای تغییرات در آن داده شود. آنها خواستار اقدام موثر دولت در زمینه تامین اجتماعی هستند تا از "اثرات منفی رفوم در دوران گذار" تا حد ممکن کاسته شود. محافظه کاران چک همتایان خود در اسلاواکی را بهمین خاطر به چپ بودن

سیاست های اقتصادی ...

خیانت ها ضرور است اجرای حاکمیت ملی و جایگزین ساختن آنچنان نظام سیاسی- اقتصادی است که مردم در آن حرف آخر را می زنند و رژیم "ولایت ققیه" هیچگونه همخوانی با واژه مردم ندارد و آنان را برای گرفتن تصمیم در مورد سرنوشت حال و آینده خود شایسته نمی داند. پایان دادن به چنین ولایتی که شباهتی بی چون و

در مناطق مختلف یوگسلاوی بار دیگر این حقیقت را اثبات می کند که سعی کشورهای غربی به تجزیه این کشور و به رسمیت شناختن اسلوانی و کرواسی توسط کشورهای بازار مشترک اروپا زیر فشار جهت دار آلمان، اولین اقدام در شعله ور کردن آتش جنگ داخلی اخیر بوده است. تصمیم اخیر آمریکا و کشورهای اروپایی در فرستادن نیروهای نظامی خود به این منطقه، زیر هر پوششی که باشد، قدمی دیگر در راهی است که به فاجعه بزرگتری ختم خواهد شد.

مداخله نظامی امکان بوجود آمدن یک آینده صلح آمیز و بدون تشنج در بین ملیتهای ساکن یوگسلاوی ویران را مشکوکتر می کند، حتی اگر که سعی شود همچون مورد عراق، از مهر تایید شورای امنیت برای قانونیت بخشیدن به اقدام نظامی از سوی آمریکا و متحدان ناتوییش استفاده شود.

سازمان ملل باید مرکزی برای پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی باشد. اگر کشورهای عضو آن اجازه بدهند که واشنگتن شورای امنیت را به مثابه یک بازوی قدرتمند دیپلماسی خود در بیاورد، مطمئناً سازمان ملل اعتبار بین المللی خود را از دست خواهد داد.

علیرغم نموده های نفرت انگیز برخوردهای کنونی، منافع و موجودیت همه ملیتهای ساکن بالکان به زندگی در کنار هم بستگی دارد. این آینده بسیار مهمتر از آن است که به فاکتوری در مبارزه انتخاباتی جورج بوش و یا کارزار آلمان برای مطرح کردن خود به عنوان قدرت برتر اروپایی در صحنه بین المللی بدل شود.

مهم می کنند.

محافظه کاران و رهبر یکدنده شان واتسلاوکلوز ترجیح می دهند پارلمان فدرال منحل شود تا آنکه کمونیستها و سایر نیروهای چپ در آن وزنه موثر بحساب آیند. ترجیح می دهند کشور از هم پاشیده شود تا شاید بتوانند رفوم بدون آینده خود را حداقل در یک بخش آن به اجرا گذارند. ترجیح می دهند مردم هر چه بیشتر درگیر مسائل گوناگون باشند تا کمتر فرصت کنترل "اعمال رهبران" را پیدا کنند.

برای عدم موفقیت سیاستهایشان نیز بهانه پیدا خواهند کرد. یک روز گناه را به گردن رژیم گذشته می انداختند. بعدها رکود اقتصادی را نتیجه جنگ خلیج فارس قلمداد کردند. حالا هم جدایی بهانه خوبی خواهد بود.

چرا به حکومت های خلیفه وار قرون وسطی دارد می تواند اولین سنگ بنای پایان بخشیدن به سیاست های ضد حاکمیت ملی در میهن ما باشد که هم اکنون تزلزل پایه های رژیم چنین وحشتی را بر دل سردمداران آن انداخته است. برای شکوفایی اقتصاد ملی می بایست بنای سیاسی شایسته آن را بنا نهاد. رژیم "ولایت ققیه" با این اصل در تضاد آشکار قرار دارد و باید بدان پایان داده شود.

چکسلاواکی: اتحاد یا جدایی

بعد از انتخابات ماه ژوئن که در جمهوری چک "حزب دموکراتیک شهروندان" به رهبری واتسلاو کلوژ (نخست وزیر چک) و در اسلواکی "جنبش برای اسلواکی دموکراتیک" به رهبری ولادیمیر میچار (نخست وزیر اسلواکی) به پیروزی رسیدند، زمینه جدایی دو جمهوری در مذاکرات بین رهبران دو حزب فراهم آمد.

در رسانه های گروهی چک و نیز در تلویزیون فدرال تبلیغات علیه اسلواکها و رهبران سیاسی شان شدت گرفت. آنها را به ناسیونالیسم و جدایی طلبی متهم می کنند (ناسیونالیستها و جدایی خواهان در انتخابات مجلس اسلواکی تنها حدود ۸٪ آراء را بدست آوردند) و شوینیسیم خود را "فدرالیسم" جلوه می دهند.

محافظه کاران چک که در "حزب دموکراتیک شهروندان" گرد آمده و تا قبل از انتخابات به هیچ چیز جز "فدراسیونی" که از مرکز پراگ هدایت شود رضایت نمی دادند، بعد از انتخابات ناگهان نظرشان عوض شد و خواهان جدایی هر چه سریعتر دو جمهوری هستند.

طبق قانون اساسی درباره موضوع پراهمیتی چون سرنوشت کشور مردم باید از طریق فرآیندوم نظر بدهند. نخست وزیران دو جمهوری در مذاکرات پشت پرده شان تصمیم گرفته اند از فرآیندوم طفره روند. براساس نظر خواهی بعمل آمده در ماه ژوئن ۸۰٪ مردم چکسلاواکی با این تصمیم رهبران سیاسی مخالف و خواستار فرآیندوم هستند.

علت اصلی اختلاف نظر و بحرانی که رفته رفته عمیقتر می شود احساسات ملی، ناسیونالیسم و شوینیسیم نیست (نه اینکه ناسیونالیسم و شوینیسیم ۷۰٪ مردم را نمایندند).

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

کمک های مالی رسیده:

یکی از دوستان حزب
در برلین ۴۰۰ مارک
رفقای برلین ۲۰۰ مارک

شروع فعالیت "حزب کمونیست اسلواکی"

نماینده گان "حزب کمونیست اسلواکی ۹۱" (KSS۹۱) و اتحادیه کمونیستهای اسلواکی (SKS) روز شنبه ۲۹ اوت ۱۹۹۲ در کنگره وحدت که در شهر بانسکایسترتیسا تشکیل شده بود "حزب کمونیست اسلواکی" را تاسیس کردند. حزب جدید هنگام تاسیس ۱۸۵۰۰ نفر عضو داشت. مرکز حزب در براتیسلاوا قرار دارد و ولادیمیر دادو، بعنوان رهبر آن انتخاب گردید. آنطور که در بیانه پایانی کنگره وحدت آمده است:

"حزب کمونیست اسلواکی به ارزشهای اصیل کمونیستی و کارگری باز می گردد و تلاش خواهد کرد تا جایگاه واقعی اش را بین کارگران و زحمتکشان بدست آورد."

یادآوری می شود که بعد از حوادث سال ۱۹۸۹ در چکسلاواکی حزب کمونیست اسلواکی تغییر نام و ایدیولوژی داد و به "حزب دموکراتیک چپ" تبدیل گردید. در حالیکه در جمهوری چک حزب کمونیست با حفظ نام و ایدیولوژی به فعالیتش تا لحظه کنونی ادامه می دهد. هر دو حزب در انتخابات ماه ژوئن گذشته نتایج موقیبت آمیزی داشته و در جمهوری های خود مقام دوم را احراز کرده اند.

در جمهوری اسلواکی آنهایی که با تغییر نام و ایدیولوژی حزب موافق نبودند، گروهها و سازمانهای چپ گوناگونی را ایجاد کردند. بین این گروهها "حزب کمونیست اسلواکی ۹۱" و "اتحادیه کمونیستهای اسلواکی" از اهمیت بیشتری برخوردار بودند که اینک با وحدت خویش و ایجاد "حزب کمونیست اسلواکی" می روند تا فاعلتر و موثرتر در عرصه مبارزات سیاسی- اجتماعی ظاهر شوند.

حقیقت -

اولین قربانی جنگ برادر کشی در یوگسلاوی

ماههای اخیر و مواضع خصمانه محافل ارتجاعی جهان علیه ملت صرب و دولت یوگسلاوی بیش از پیش این نظر را تقویت می کند که مردم این کشور در حقیقت جزای "عدم تعهد" و "سمتگیری سوسیالیستی" خود را می دهند. ایالات متحده و متحدانش نشان داده اند که حاضرند ریشه هرگونه نظم غیر سرمایه داری را در خاک اروپا به هر قیمتی قطع نمایند. سخنان وقیحانه خاتم تاچر، نخست وزیر سابق انگلیس، مبنی بر اینکه "آنچه در بوسنی در حال وقوع است یک جنگ داخلی نیست، بلکه یک جنگ تجاوزگرانه کمونیستی" است، افشاگر استفاده از حربه های کهنه "دوران جنگ سرد" در پیشبرد کارزار "نظم نوین جهانی" می باشد. موضع خاتم تاچر در خواست مداخله نظامی کشورهای اروپای غربی در حمایت از بوسنی به لحاظی افشاگر ماهیت سیاست طرفین برخوردارهای یوگسلاوی می باشد. اقدامات ضد یوگسلاوی ایران و برخی محافل ارتجاعی کشورهای اسلامی اجلاس سران جنبش غیر متعهد را که بزودی در اندونزی شروع می شود، قبل از شروع به ادامه در ص ۷

نیز برخی کشورهای اسلامی، بطور غیر سازنده ای مخالف هر گونه حل مسالمت آمیز مشکلات ملی اقوام ساکن این جمهوری می باشند. "علی عزت بگوویچ" رئیس جمهور بوسنی بطور علنی خواستار مداخله مسلحانه نیروهای نظامی ناتو در حمایت از نیروهای هوادار خود می باشد. جمهوری اسلامی ایران ضمن اعلام آمادگی خود برای شرکت مستقیم در عملیات نظامی در بوسنی، از طریق سازمان کنفرانس اسلامی و نیز سازمان ملل درصدد کسب نقش پیشتاز در مداخله نظامی در این کشور می باشد. "جمهوری اسلامی ایران طی بیانیه ای خطاب به رئیس شورای امنیت خواستار لغو فوری تحریم تسلیحاتی بوسنی" شد. جالب اینجاست در حالیکه اکثر کشورهای جهان از حل مسالمت آمیز برخوردها در یوگسلاوی طرفداری می کنند، بیانیه جمهوری اسلامی مطرح می کند که "تحریم تسلیحاتی تمامی جمهوریهای یوگسلاوی سابق نتایج سویی را بهمراه داشته" و با "ارسال کمک های انسان دوستانه اش" در حقیقت به تشدید مخاصمات دامن می زند.

روند تحولات در شبه جزیره بالکان در